

حقوق پناهندگان در اسلام و اسناد بین‌المللی

شفیقه ذکی^۱

چکیده

پناهندگی در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل سابقه طولانی دارد و فقط مختص مسلمانان نیست، بلکه شامل تمام جهانیان است با این شرط که علت پناهندگی، ارتکاب جرم براساس نظر شرع نباشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، حقوق پناه‌جویان را در چند محور مورد بررسی قرار داد. در این مسیر ابتدا مفاهیم کلیدی و سپس انواع پناهندگی و شرایط پذیرش پناهنده از منظر دین و شریعت نبوی و همچنین اسناد بین‌المللی بررسی شد. نهایت این نتیجه به دست آمد که حق امنیت، آموزش، اقامت، شغل، عدم استرداد به دولت پناهنده و عدم تبعیض از حقوق اساسی پناهندگان است.

واژگان کلیدی: پناهنده، اسلام، پناهندگی، فقه، امان، حقوق، حقوق

بین‌الملل.

۱. مقدمه

پناهندگی موضوعی نیست که امروزه به وجود آمده باشد، بلکه در گذشته و قبل از اسلام نیز وجود داشته است. در اسلام، پناهندگی با نام امان آمده است. در قرآن کریم، روایات، سیره انبیا، امامان، آرای فقها و حقوق دانان مسلمان نمونه‌هایی از آن را می‌توان یافت. همین تأکیدها باعث پذیرش و حمایت دولت پذیرنده از پناهندگان شده است. در حال حاضر نزدیک به ۸۱۷ میلیون پناهنده در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی زندگی می‌کنند که ۴ میلیون آنها پناهندگان فلسطینی هستند و ۲۱۲ میلیون پناهنده عراقی در کشورهای ایران،

۱. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

اردن و غیره ساکن هستند. (موسی‌زاده و کهریزی، ۱۳۹۴) پناهندگی در اثر فقر، بلاهای طبیعی و جنگ‌های داخلی و بین‌المللی به وجود آمد، اما پس از جنگ جهانی اول و دوم پناهندگی افزایش یافت به طوری که خود یکی از عوامل تهدید امنیت و نظم شد. این افزایش باعث نگرانی دولت‌ها شد. به همین دلیل جامعه بین‌المللی برای حل این مشکل کنوانسیون مربوط به پناهندگان را تصویب کرد. حال پناهنده کیست؟ چه ویژگی‌ها و شرایطی باید داشته باشد تا نام پناهنده به وی صدق کند؟ حقوق پناهندگان چیست؟ آگاهی و شناخت پناهنده از حقوق و شرایط باعث می‌شود که هم فرد در جامعه احساس امنیت کند و به حقوقش برسد و هم جامعه منظم‌تر، قانونی‌تر و امن‌تر شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. پناهنده

پناهنده در لغت یعنی، به کسی یا چیزی پناه برد. پناهنده در اصطلاح اجتماعی یعنی، کسی که به دلیل رواج تعصب دینی یا اجتماعی، ناامنی و جنگ در میهنش به کشور دیگری پناه می‌برد. پناهنده در اصطلاح سیاسی یعنی، کسی که به دلیل مبارزه سیاسی و مخالفت با حکومت کشورش به کشور دیگری پناه می‌برد. (معین، ۱۳۵۱) در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، پناهنده کسی است که به دلیل ترس موجه مربوط به نژاد، مذهب، ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی، شکنجه شود، در خارج از کشور محل سکونت خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد. پناهنده از نظر منابع بین‌المللی، بیگانه‌ای است که به دلیل ترس از تعقیب و نجات جان، مال و آزادی خود به کشور دیگری پناهنده شود. در فقه، چیزی به نام پناهنده و پناهندگی وجود ندارد و به جای آن از عبارت‌هایی مانند امان، استجاره و معاهد استفاده شده است. براساس تعریف فقها مستأمن را می‌توان چنین تعریف کرد: «آن کس یا آن کافر حربی که با هر دین و تابعیتی با انگیزه‌ای مشروع برای مدتی موقت و بدون قصد توطن و اقامت دائم با اجازه و

تضمین دولت اسلامی یا یکی از شهروندان آن وارد دارالاسلام شود» (طوسی، ۱۴۱۹، به نقل از، قدیر و کاظمی، ۱۳۹۶، ص ۵).

۲-۲. حقوق در لغت و در اصطلاح

حقوق در لغت یعنی، راستی‌ها، درستی‌ها، وظایف، تکالیف و دستمزد. حقوق در اصطلاح، مجموعه قوانین، قواعد و رسوم لازم‌الاجراست که برای استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است. حق در لغت به معنی، ثبوت، ضد باطل، وجوب (طریحی، ۱۳۷۵، ۱۴۶/۵) موجود ثابت، مطابقت و موافقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۶) است. حق یعنی، قرار گرفتن چیزی در موضع خودش که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰۱/۴). برخی با بررسی معانی این واژه در لغت‌نامه‌های مختلف، معنایی که در همه کاربردهای آن آمده است را ثبوت به همراه مطابقت با واقع دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۲۶۲/۲). در فرهنگ‌های فارسی نیز از حق به معنای راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود و... یاد شده است (عمید، ۱۳۶۹، ذیل واژه حق). حق به صورت عام و مشترک به معنای ثابت است و معنای خاصی دارد. در اصطلاح علوم مختلف معنای خاصی از آن ارائه می‌شود که آن تعاریف از معنای عام و لغوی بیگانه نیستند. برخی فقها حق را به معنای سلطنت (انصاری، ۱۳۹۲، ۲۰/۴)، برخی به معنای نوعی از سلطنت و مرتبه ضعیفی از ملکیت یا نوعی از ملکیت (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ۲۸/۱)، عده‌ای به معنای حکم (خویی، ۱۳۷۸، ۴۶/۲) و عده‌ای آن را نوعی اولویت (تبریزی، ۱۴۱۱، ۱۳/۲) در نظر گرفته‌اند. برخی نیز آن را نه ملک می‌دانند و نه سلطنت و تعریف خاصی از آن ارائه نمی‌دهند و در تعریف حق به همین میزان اکتفا می‌کنند که حق در برخی موارد ماهیتی اعتباری-عقلایی و در بعضی موارد ماهیتی شرعی است (خمینی، ۱۳۶۳، ۲۶/۱، به نقل از داوری، ۱۳۸۹، ص ۸۹).

۲-۳. مفهوم امان در لغت و اصطلاح

امان در لغت یعنی، بی ترسی، ایمنی، زنده‌ار و پناه. (معین، ۱۳۵۱) در اصطلاح یعنی، تضمین سلامتی افراد کافر توسط افرادی مسلمان و محفوظ ماندن مال و جان کافران در جنگ.

۲-۴. اسلام

اسلام در زبان عربی از ریشه (س-ل-م) به معنای تسلیم صلح آمیز، تسلیم شدن، اطاعت و صلح و گردن نهادن است. اسلام در شرع عبارت است از: اعمال ظاهره از گفتن دو کلمه شهادت و عمل به واجبات و ترک منہیات. اسلام دینی از ادیان ابراهیمی است که به پیروان این دین مسلمان می‌گویند. اسلام برای هر فردی با شهادتین آغاز می‌شود: «لا اله الا الله و محمد رسول الله» (قاری عبدالله خان، ۱۳۱۱).

۲-۵. فقه

فقه در لغت یعنی، دانستن، دریافتن. فقه در اصطلاح یعنی، مجموع احکام عملی شرع. (معین، ۱۳۵۱) فقه در لغت به معنای فهم، علم و زیرکی است (فراهیدی، ۳۷۰). در اصطلاح به معنای علم به احکام جزئی شرعی یا به دست آوردن و شناخت وظیفه عملی مکلف از منابع و ادله شرعی است (مشکینی، بی تا، ص ۱۸۰).

۲-۶. حقوق بین الملل

حقوق بین الملل، مجموعه قواعدی است که برای کشورها و دیگر افراد بین المللی در روابط متقابل آنها الزام آور تلقی می‌شود. حقوق بین الملل بر معاهدات و عرف و همچنین اصول کلی حقوق شناخته شده توسط ملل متمدن همراه با منابع فرعی مانند آرای قضایی آثار علمای حقوق پایه گذاری شده است. واژه بین الملل ترجمه‌ای از اصطلاح jus inter gentes (حقوق بین مردم) که توسط ریچارد زوش در کتاب راهنمای خود درباره حقوق بین الملل استفاده شده و به فیلسوف انگلیسی جرمی بتهم منسوب است. به حقوق بین الملل، حقوق ملل که نامی

سنّتی‌تر است یا حقوق بین‌الملل عمومی نیز گفته می‌شود (تمام این اسامی نشان‌دهنده محدوده و موضوع آن هستند).

۳. منابع پناهندگی

۳-۱. پناهندگی در منابع اسلام

سنت پناهندگی قبل از اسلام نیز وجود داشت مانند پناهندگی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به مدین. در فقه از پناهندگی با نام امان، استجاره و معاهد استفاده می‌شود که نوعی قرارداد است که فقط مختص حاکم جامعه اسلامی نیست، بلکه یک فرد عادی جامعه نیز می‌تواند امان دهد. این نهاد حقوقی را می‌توان در آیات، روایات و سیره متشرعه دید.

۳-۲. پناهندگی در آیات

قرآن کریم مهمترین منبع در مورد پناهندگی در اسلام است. آیات ۶ سوره توبه و ۸۰ و ۹۰ سوره نساء در مورد پناهندگی است. پرکاربردترین آیات، آیه ۶ سوره توبه است که در آن قرآن کریم مسئله پناهندگی را محترم شمرده است. (موسی‌زاده، ۱۳۹۴) «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش ده تا سخن خدا را بشنود و پس از آن (که دین خدا به او ابلاغ شد و شنید) او را به محل امن و آرام زندگیش برسان. این بدان سبب است که آنان مردمی هستند که حق را نمی‌دانند». آقای قرائتی در مورد تفسیر این آیه می‌گوید: «به درخواست پناهندگی دشمن برای تحقیق و شناخت عقاید و افکار اسلامی، پاسخ مثبت دهید: استجارک فأجره»؛ «راه فکر و تعقل، حتی برای مشرکان مهدورالدم باز است و برای احتمال هدایت یک نفر هم باید حساب جداگانه باز کرد: أحد من المشركين»؛ «اسلام دین رأفت، شرافت و کرامت است: استجارک فأجره»؛ «به دشمن هم فرصت فکر و انتخاب بدهید و حتی در شرایط جنگی نیز مردم را از رشد فکری بازدارید: استجارک فأجره»؛ «انتخاب حق و پذیرش عقاید صحیح، مهلت می‌طلبد: فأجره حتى يسمع كلام الله»؛ «قرآن، کلام قابل فهم است که

زمینه هدایت را فراهم می‌کند و چنان نیست که فهمش خارج از عهده انسان باشد: یسمع کلام الله؛ «حکومت اسلامی باید زمینه شنیدن کلام خدا و فرصت مطالعه آن را برای منحرفان فراهم کند؛ زیرا انحراف بعضی به دلیل عدم تبلیغ است نه از روی کینه. چه بسا اگر حق را بشنوند، تغییر یابند: حتی یسمع کلام الله؛ «اسلام، دین آزادی است و ایمان از روی فهم ارزش دارد نه از روی ترس یا اجبار: فأجره یسمع، أبلغه مأمنه»؛ «مکتبی که منطوق دارد، عجله ندارد. به دشمن فرصت دهید تا آن را بشنود و امنیت او را تضمین کنید تا با فکر آسوده انتخاب کند: یسمع، أبلغه مأمنه»؛ «کفر بعضی از جهل سرچشمه می‌گیرد و اگر آگاه شوند حق را می‌پذیرند: ذلک بأنهم قوم لا یعلمون». (قرائتی، ۱۳۷۴، ص ۲۱)

علامه طباطبایی در مورد تفسیر این آیه می‌گوید: «این آیه معترض حکم پناه‌دادن به مشرکین است که پناه‌خواهی می‌کنند». این سخن هرچند در خلال آیات برائت و سلب امنیت از مشرکین جمله‌ای معترضه و یا شبیه به معترضه است، لیکن گفتنش واجب بود، چون در حقیقت دفع دخل و جواب از توهمی بود که حتما می‌شد. آری، اساس این دعوت حقه و وعد وعیدش و بشارت و اندازش و لوازم این وعد و وعید یعنی، عهد و پیمان بستنش و یا پیمان شکستنش و نیز احکام و دستورات جنگیش همه و همه هدایت مردم است و مقصود از همه آنها این است که مردم را از راه ضلالت به سوی رشد و هدایت برگردانیده و از بدبختی و نکبت شرک به سوی سعادت توحید بکشاند و لازمه این منظور این است که کمال اهتمام را در رسیدن به آن هدف مبذول داشته و برای هدایت یک‌گمراه و احیای یک حق هرچند هم ناچیز باشد از هر راهی که امید می‌رود به هدف برسد استفاده شود. به همین دلیل است که خدای تعالی با اینکه از مشرکین غیرمعاهد بیزاری جسته و خون و مال و عرض آنان را هدر کرده بود از آنجا که منظورش این بود که حقی احیا و باطلی ابطال شود، پس وقتی احتمال می‌دهد همین مشرکین به راه راست بیایند همین امید و احتمال تا آنجا که مبدل به یأس و نومیدی از هدایتشان نشود از هر قصد سویی جلوگیری می‌کند. پس وقتی مشرکی پناه می‌خواهد تا از نزدیک دعوت دینی را بررسی نموده و اگر آن را حق دید و حقانیتش برایش روشن شد پیروی

کند واجب است او را پناه دهند تا کلام خدا را بشنود و در نتیجه پرده جهل از روی دلش کنار رفته و حجت خدا برایش تمام شود و اگر با نزدیک شدن و شنیدن باز هم گمراهی و استکبار خود را ادامه داد و اصرار ورزید البته جزو همان کسانی خواهد شد که در پناه نیامده و امان نیافته‌اند و خلاصه امانی که به آنها داده شده بود، باطل گشته و باید به هر وسیله که ممکن باشد زمین را از لوث وجودش پاک کرد. این آن معنایی است که آیه شریفه: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ» به کمک آیات قبل و بعدش آن را افاده می‌کند. بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود: اگر بعضی از این مشرکین که خونشان را هدر کردیم از تو خواستند تا ایشان را در پناه خود امان دهی تا بتوانند زدت حاضر شده و در امر دعوتت با تو گفت‌وگو کنند ایشان را پناه ده تا کلام خدا را که متضمن دعوت توست، بشنوند و پرده جهلشان پاره شود و این معنا را به ایشان ابلاغ کن تا از ناحیه تو ایمنی کاملی یافته و با خاطر آسوده زدت حاضر شوند و این دستور به این دلیل از ناحیه خدای متعال تشریح شد که مشرکین مردمی جاهل بودند و از مردم جاهل هیچ بعید نیست که بعد از پی بردن به حق آن را بپذیرند و این دستورات عملیها از ناحیه قرآن و دین قویم اسلام نهایت درجه رعایت اصول فضیلت و حفظ مراسم کرامت و گسترش رحمت و شرافت انسانیت است». (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۲۰۶)

۳-۳. پناهندگی در روایات

شیعه و اهل سنت روایات زیادی در مورد پناهندگی، تأکید بر محترم دانستن پناهندگان و رعایت تعهدات در مورد پناهندگی دارند که نشان دهنده اهمیت این امر است. در اصول کافی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است: «الْمُؤْمِنُونَ أَخُوهُ تَتَكَافَأُ دِمَائُهُ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سَوَّاهُمْ وَ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ؛ مؤمنان از نظر ارزش خونی با یکدیگر مساوی‌اند و همگی مانند دست واحدی علیه دشمن هستند و تعهد گمنام‌ترین آنان نسبت به معروف‌ترین آنها الزام‌آوار است». صاحب وسائل الشیعه در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آورده است: «شخصی از امام پرسید: سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود: [یسعی بذمتهم ادناهم چه معنایی دارد؟ امام فرمود: اگر سپاهی از مسلمانان شهری را محاصره کرده باشند و در این هنگام که شرایط پیروزی فراهم

است کسی از سپاه دشمن بگوید: به من امان بدهید تا با فرمانده شما ملاقات و بحث کنم، در این حال اگر گمنام‌ترین فردی که در سپاه اسلام حضور دارد به او امان دهد برای برجسته‌ترین افراد و از جمله فرمانده سپاه لازم است به این تعهد عمل نماید» (جرعاملی، بی تا، ۶۷/۱۵، به نقل از موسی زاده و کهریزی، ۱۳۹۴، ص ۸). این روایت نشان می‌دهد که امان و تعهد مسلمان، محترم و جایز است.

۳-۴. پناهندگی در سیره

پناهندگی قبل از اسلام وجود داشت و بعد از اسلام نیز بیشتر شد. پناهندگی حضرت موسی علیه السلام به مدین و داستان فرار حضرت موسی علیه السلام از مصر به سوی به دلیل ترس از فرعونیان در آیات ۲۰ تا ۲۵ قصص. پناه دادن امام سجاد علیه السلام به خانواده مروان در جریان قیام مدینه بر ضد یزید است که به واقعه حره شهرت یافت. شخصیت منفی مروان در تاریخ روشن است. شخصی که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل جسارت به حضرت تبعید می‌شود و در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل مقابل حضرت می‌ایستد و در جنگ صفین باز در کنار معاویه با حضرت می‌جنگند و در مجلس ولید به آن فرد پیشنهاد قتل سریع حضرت امام حسین علیه السلام را می‌دهد، اما هنگامی که در آن شرایط بحرانی مدینه که مردم علیه بنی‌امیه و بنی مروان قیام کرده و همه را از شهر خارج کرده‌اند همسر خود را که دختر عثمان بن عفان است نزد حضرت آورده و درخواست پناه دادن او را می‌کند حضرت می‌پذیرند و او را پناه می‌دهند و به پذیرایی او اقدام می‌کنند به گونه‌ای که بعد می‌گوید: «مدتی که نزد حضرت بودم به گونه‌ای پذیرایی شدم که در منزل پدرانم چنین پذیرایی نمی‌شدم و علاوه بر او چهارصد نفر دیگر نیز در پناه حضرت بودند» (طبری، ۱۳۷۲، ۴۸۵/۵).

۳-۵. پناهندگی در اسناد بین‌المللی

ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هرکس حق دارد برای گریز از هرگونه شکنجه و فشار به جایی پناهنده شود و می‌تواند در سایر کشورها از پناهندگی استفاده کند. همچنین

در جرایم غیر سیاسی یا اموری که مخالف با اصول و هدف‌های ملل متحد باشد، نمی‌توان از حق پناهندگی استفاده کرد». ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی می‌گوید: «هر انسانی براساس شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن، می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه‌دهنده واجب است که با او مدارا کند تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم براساس نظر شرع نباشد». ماده ۱ کنوانسیون ژنو می‌گوید: «پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد، نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد».

۴. انواع پناهندگی در نظام سیاسی اسلام و نظام سیاسی بین‌الملل

۴-۱. نظام سیاسی اسلام

۴-۱-۱. پناهندگی سیاسی

از نظر فقه اسلامی، جهان به چهار قسمت و ناحیه سیاسی تقسیم می‌شود که عبارتند از: دارالاسلام، دارالموارعه، اراضی خراجیه و ذمیه، دارالحرب. از میان این چهار منطقه، فقط اهالی دارالحرب حق بهره‌مندی از قانون استعمار و تأمین اسلامی را دارند و می‌توانند با مهاجرت به کشور اسلامی تقاضای پناهندگی کنند. همچنین اگر کفار استجاره کنند براساس نص قرآن و سنت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار می‌توانند درخواست پناهندگی سیاسی کنند. (بایرامی فرد، محمدنسل و مددی، ۱۳۹۶، ص ۳۹)

۴-۱-۲. پناهندگی اقتصادی

باتوجه به قانون استجاره و تأمین اقتصادی بازرگانان، کفار می‌توانند با امنیت کامل برای تجارت در کشور اسلامی تردد کنند. (بایرامی فرد، محمدنسل و مددی، ۱۳۹۶، ص ۳۹)

۴-۱-۳. پناهندگی نظامی

منظور از این نوع امان یعنی، دادن پناه به کفار در میدان جنگ که براساس شرایط و ضوابط خاصی داده می‌شود و در نتیجه آنان را از اسارت و اموالشان را از غارت و غنیمت حفظ می‌کند. (بایرامی فرد، محمدنسل و مددی، ۱۳۹۶، ص ۳۹)

۴-۲. نظام سیاسی بین‌الملل

۴-۲-۱. پناهندگی سرزمینی [درون مرزی]: وقتی کشوری در خاک خود به یک تبعه خارجی که وارد قلمروی دولتی او شده و در خواست پناهندگی و اقامت می‌کند، پناهندگی دهد این نوع پناهندگی حقی است که در داخل سرزمین دولت به او داده می‌شود. (بایرامی فرد، محمدنسل و مددی، ۱۳۹۶، ص ۳۸)

۴-۲-۲. پناهندگی مذهبی: پناهندگی مذهبی در صورتی است که فرد بخواهد تغییر دین دهد و دین انتخاب شده مورد قبول کشورش نباشد. پناهندگی مذهبی، شرایط و قوانین خاصی دارد و فرد باید مدارکی ارائه دهد که نشان دهد دین مورد نظر وی مورد قبول کشورش نیست.

۴-۲-۳. پناهندگی اجتماعی: در صورتی است که فرد در جامعه خود به دلایلی مانند فقر، جنگ، بی‌آبی و... دچار فشار و شرایط سخت اجتماعی شود و به امید زندگی بهتر به کشور دیگری پناهنده شود.

۴-۲-۴. پناهندگی نژادی: در صورتی است که فرد به دلیل نژاد، رنگ پوست، زبان و... در کشورش مورد آزار قرار گیرد.

۴-۲-۵. **پناهندگی سیاسی:** در صورتی است که فرد افکار و عقاید سیاسی خاصی دارد و فعالیت‌ها و کارهایی نیز انجام می‌دهد و به دلیل همین عقاید و فعالیت‌ها زندگی‌اش در خطر است. در این صورت درخواست پناهندگی به کشور دیگری را می‌دهد.

۴-۲-۶. **پناهندگی جنسی:** در صورتی است که فرد مشکل جنسیتی مانند همجنس‌گرایی یا تراجنسیت دارد و این مشکل در کشورش مورد پذیرش قرارنگرفته است. به همین دلیل مورد تبعیض و بدرفتاری قرار می‌گیرد. به همین دلیل به کشور دیگری درخواست پناهندگی می‌دهد.

۴-۲-۷. **پناهندگی جنگی:** در صورتی است که در کشور فرد جنگ و ناامنی است.

۴-۲-۸. **پناهندگی به دلیل عضویت در گروه اجتماعی خاص:** در صورتی است که فرد عضو گروه خاصی است که به صورت علنی کارها و فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که مخالف با دولت، نظام و سیاست کشورش باشد. به همین دلیل ممکن است فرد مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد. (توحیدی، ۱۳۹۸)

۴-۳. پناهندگی برون‌سرزمینی

پناهندگی است که یک دولت در خارج از قلمروی حکومت خود، سفارت‌خانه‌ها، کنسولگری‌ها و کشتی‌های شناور در آب‌های آزاد و بین‌المللی به یک تبعه بیگانه می‌دهد؛ زیرا بیشتر افراد به سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها پناه می‌برند که محل مأموریت‌های دیپلماتیک است به پناهندگی دیپلماتیک معروف شده است. (اردلان، ۱۳۸۷، ص ۵)

۵. شرایط پناهندگی

۵-۱. شرط پذیرش پناه‌جو در نظام سیاسی اسلام

عنصر اصلی پناهندگی از نظر اسلام، اختلاف دینی است. فرد به دلیل داشتن عقیده و دینی که در کشورش مورد قبول نیست، ممکن است مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد. به همین دلیل از دارالاسلام تقاضای پناهندگی کرده تا با رعایت شرایط خاصی از حمایت دارالاسلام برخوردار

شود. مهمترین شرط از نظر اسلام، نبود مفسده و داشتن مصلحت است؛ یعنی برای اسلام و مسلمانان خطر و ضرری نداشته باشد و فرد نخواهد از تعقیب قانون و عدالت فرار کند.

۵-۲. شرط پذیرش پناه‌جو در نظام سیاسی بین‌الملل

پناهندگی، حقی است برای افرادی که در شرایط خاصی قرار گرفته‌اند و می‌خواهند به کشورهای دیگر پناهنده شوند. بند الف ماده ۱ کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ می‌گوید: «افرادی که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرند در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برند و نمی‌توانند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهند خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهند». مواردی هم وجود دارد که این کنوانسیون برایشان قابل اجرا نخواهد بود. بند و ماده ۱: «از جمله مقررات این کنوانسیون در مورد اشخاصی که علیه آنها دلایل محکمی دال بر مراتب زیر وجود داشته باشد مجری نخواهد بود: الف) مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی شده باشد؛ ب) قبل از آنکه در کشور پناه‌دهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شوند در خارج از آن کشور مرتکب جنایت عمده‌ای که مشمول مجازات عمومی می‌باشد، شده باشد؛ ج) مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است، شده باشند».

۶. حقوق پناهندگان

۶-۱. حقوق پناهندگان در اسلام

۶-۱-۱. مصونیت و امنیت اجتماعی

امنیت از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه است که دولت آن جامعه موظف و مکلف است تا آن را برای همه افراد جامعه خود تأمین کند. مصونیت و امنیت علاوه بر فرد، شامل خانواده او نیز می‌شود. جان، مال، عرض و آبروی شخص پناهنده در دارالاسلام باید هم در برابر دشمنان

خارجی و هم در برابر دشمنی های داخلی حفظ و حمایت شود که این وظیفه حکومت و دولت اسلامی است.

۶-۱-۲. حق آموزش و کسب دانش

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است». اهمیت علم و ودانش و آموختن به این دلیل است که به وسیله کسب دانش و تفکر، فرد می تواند معارف و راه های لازم برای رسیدن سعادت و خوشبختی را به دست آورد. قرآن به کسب علم و دانش تشویق و امر می کند: «و پیش از تو هم جز مردانی که بدیشان وحی می کردیم، گسیل نداشتیم، پس اگر نمی دانید از اهل ذکر (آگاهان) جویا شوید» (نحل: ۴۳). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید: «ظاهر جمله «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» این است که خطاب به رسول خدا ﷺ و قومش باشد هرچند خطاب در جملات قبل تنها به رسول خدا ﷺ بود، ولی در آنها نیز معنی متوجه همه بود، پس در این جمله خطاب را هم عمومی گرفت تا هرکس راه خود را شناخته و پیروی کند و آنان که از حقیقت دعوت نبوی خیر ندارند مانند مشرکین به اهل علم مراجعه نموده از ایشان بپرسند و اما آن کس که این معنا را می داند مانند خود رسول خدا ﷺ و گروندگان به وی که دیگر غنی و بی نیاز از سؤال هستند». برخی گفته اند: «خطاب در آیه فقط متوجه به مشرکین است؛ زیرا آنان بودند که منکر دعوت نبوی بودند و همان ها باید به اهل علم مراجعه نموده، بپرسند، ولی لازمه این حرف این است که بدون هیچ نکته ای در آیه، التفات از فرد به جمع به کار رفته باشد و خدا داناتر است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، -/۳۷۴). اسلام، کسب دانش و علم آموزی را حقی برای همه انسان ها می داند.

۶-۱-۳. حق کسب تابعیت: پناهنده دارالاسلام نیز همانند سایرین حق کسب تابعیت و

شهروندی دولت اسلامی را دارد.

۶-۱-۴. حق داشتن اقامتگاه: لازمه بهره مندی از حق اقامت، بهره مندی از حق داشتن

اقامتگاه است؛ زیرا داشتن اقامتگاه موجب سرگردانی می شود که این امر با حقوق انسانی سازگار نیست.

۵-۱-۶. **حق آزادی مذهب و عقیده:** با آنکه دارالاسلام حکومتی مبتنی بر اسلام است، اما مستأمن سایر ادیان نیز حق و آزادی داشتن عقیده و مذهب دارد، البته این آزادی تا آنجا محترم است که با اساس و ارزش‌ها و مقدسات جامعه اسلام و مسلمانان در تعارض نباشد. خداوند متعال می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین؛ در قبول دین اکراهی نیست» (بقره: ۲۵۶).

۶-۱-۶. **حق مالکیت:** مستأمن نیز مانند شهروندان دارالاسلام حق مالکیت دارد، اما در برخی چیزها. دولت اسلامی نیز وظیفه دارد تا به این حق احترام بگذارد و از آن حمایت کند.

۶-۱-۷. **حق داشتن شغل و آزادی انتخاب آن:** مستأمن نیز مانند شهروندان دیگر حق داشتن شغل و آزادی در انتخاب آن را دارد. برخی افراد فقط به دلیل انجام یک کار خاص و مشخص به سرزمین اسلامی مهاجرت می‌کنند، البته این حق در صورتی است که با شرع اسلام منافاتی نداشته باشد.

۶-۱-۸. **حق امنیت قضایی:** هر فردی در جامعه حق بهره‌مندی از امنیت قضایی را دارد. خانواده، شخصیت، آبرو، دارایی و اموال، جان و عرض شخص مستأمن باید مصون باشد و اگر دچار تعرض شود او حق دارد به دادگاه دولت اسلامی مراجعه کند و دادگاه مکلف است که به شکایت او رسیدگی کند.

۶-۲. در اسناد بین‌الملل

۶-۲-۱. **اصل بازنگرداندن پناهندگان:** اصل بازنگرداندن پناهندگان، یکی از مهمترین حقوق پناهندگان و مورد تأکید و حمایت جدی سازمان ملل و سایر نهادهای مربوط است. (<https://hawzah.net>)

بند اول ماده ۳۳ کنوانسیون ژنو: «هیچ یک از دول متعاقد به‌هیچ‌نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت و عضویت در دسته اجتماعی به‌ویژه یا داشتن عقاید سیاسی زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا بازخواهند گردانید» البته این اصل استثنایی هم دارد.

بند دو ماده ۳۳ کنوانسیون ژنو: «اما پناهنده‌ای که براساس دلایل کافی، وجودش برای امنیت کشوری که در آن به سر می‌برد خطرناک بوده یا براساس رأی قطعی دادگاه محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی شده و مضر به حال جامعه کشور تشخیص داده شود، نمی‌تواند دعوی استفاده از مقررات مذکور در این ماده را بنماید. بنابراین، در صورت نبود شرایط مناسب، بازگردان پناهنده به کشورش برخلاف اعلامیه‌ها و قطع‌نامه‌های جهانی موجود درباره پناهندگان است.»

۲-۲-۶. ماده ۳ عدم تبعیض براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو: دول متعاقد مقررات، این کنوانسیون را بدون تبعیض از نظر نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی درباره پناهندگان اجرا خواهند کرد. مبنای برابری انسان‌ها کرامت ذاتی آنهاست، پس همه انسان‌ها با هم برابر هستند و حقوق یکسانی دارند. دولت‌ها موظف هستند با همه شهروندان و پناهندگان خود با توجه و احترام برابر رفتار کنند.

۲-۲-۳. ماده ۴ دین براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو: دول متعاقد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود رفتاری در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند اتخاذ خواهند نمود. در انتخاب دین و مذهب، همه اتباع و غیر اتباع، یک دولت آزاد هستند و تفاوتی بینشان وجود ندارد. والدین در آموزش و تعلیمات دینی فرزندان خود آزاد هستند، البته این آزادی عقیده و دین در صورتی است که به مصالح و نظم عمومی ضرری وارد نشود.

۲-۲-۴. ماده ۶ اصطلاح در شرایط یکسان براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو: از لحاظ این کنوانسیون منظور از اصطلاح در شرایط یکسان این است که تمام شرایطی (به‌ویژه شرایط مربوط به مدت و نحوه اقامت موقت یا دائم) که فرد اگر پناهنده نباشد باید برای برخورداری از حق مورد نظر دارا باشد، مراعات شود به استثنای شرایطی که طبیعتاً پناهنده نمی‌تواند واجد آن باشد. فرد پناهنده باید تمام شرایطی که حق اوست را دارا باشد مگر شرایطی که به‌طور طبیعی نمی‌تواند داشته باشد.

۶-۲-۵. ماده ۱۲ احوال شخصیه براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو: احوال شخصیه پناهنده، تابع قوانین کشوری است که در آنجا اقامت دارد، ولی اگر فاقد محل اقامت باشد تابع قوانین کشور محل سکونت او خواهد بود. حقوقی که پناهنده از قبل کسب کرده و مربوط به احوال شخصیه اوست به ویژه حقوق مربوط به ازدواج باید از طرف هر دولت متعاقد محترم شمرده شود به شرط آنکه در صورت لزوم، تشریفات پیش بینی شده در قوانین دولت مزبور را انجام دهد. بدیهی است حق مورد بحث باید از جمله حقوقی باشد که براساس قوانین دولت مذکور چنانچه وی پناهنده هم نباشد، شناخته شده باشد.

۶-۲-۶. ماده ۱۳ اموال منقول و غیر منقول: دول متعاقد در مورد تحصیل اموال منقول و غیر منقول و سایر حقوق مربوطه و همچنین در مورد قراردادهای اجاره یا سایر قراردادهای مربوط به مالکیت اموال منقول و غیرمنقول با پناهندگان رفتاری خواهند کرد که تا سرحد امکان، مساعد بوده و از رفتاری که در این گونه موارد نسبت به بیگانگان به عمل می آید، نامساعدتر نباشد.

۶-۲-۷. ماده ۱۵ حق عضویت: در مورد عضویت در جمعیت های غیرسیاسی و غیرانتفاعی و سندیکاها و حرفه ای، دول متعاقد نسبت به پناهندگانی که براساس قانون در سرزمین آنان سکونت دارند مساعدترین رفتاری را که در چنین موارد در مورد اتباع دول خارجی به عمل می آورند معمول خواهند داشت. پناهندگان تا جایی که قوانین کشور دولت پذیرنده تعیین کرده است، می توانند به عضویت جایی در بیایند.

۶-۲-۸. ماده ۱۷ اشتغال با دستمزد: در مورد حق اشتغال به کار با دریافت دستمزد هر دولت متعاقد نسبت به پناهندگانی که به طور منظم در سرزمین او سکونت کرده اند مطلوب ترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می دارد به عمل خواهد آورد. مقررات محدودکننده ای که درباره بیگانگان یا استخدام بیگانگان برای حمایت از بازار داخلی کار وضع می شود درباره پناهنده ای که در تاریخ اجرای این کنوانسیون در سرزمین دولت متعاقد مذکور از مقررات مورد بحث معاف بوده یا واجد یکی از شرایط زیر باشد اجرا

نمی‌شود: الف) مدت سه سال در کشور سابقه سکونت دارد؛ ب) همسری دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت اوست. پناهنده‌ای که با همسرش متارکه کرده، نمی‌تواند به مقررات این بند استناد کند؛ ج) فرزند یا فرزندان‌ی دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت او هستند.

دول متعاقد با نظر مساعد کوشش می‌کنند که حقوق مربوط به استخدام پناهندگان به‌ویژه پناهندگانی که به‌موجب برنامه‌های مربوط به استخدام کارگر یا برنامه‌های مهاجرتی وارد سرزمین آنها شده‌اند با حقوق اتباع خود در این مورد مشابه و یکسان کنند. همه پناهندگان تاجایی که امکان دارد از نظر شغل و دستمزد با اتباع آن کشور برابر هستند.

۶-۲-۹ ماده ۲۴ قوانین کار و بیمه اجتماعی: دول متعاقد در موارد زیر نسبت به پناهندگانی که براساس قانون در سرزمین آنها به‌سر می‌برند مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد: الف) حقوق (منجمله مدد معاش خانواده در مواردی که مدد معاش مزبور جزو حقوق است)، ساعات کار، ساعات اضافه‌کار، مرخصی با حقوق، محدودیت‌های مربوط به کار کردن در منزل، حداقل سن برای استخدام، یادگیری و تعلیمات حرفه‌ای، اشتغال به کار بانوان و نوجوانان، استفاده از مزایای کنوانسیون‌های جمعی تا حدودی که موارد مذکور تابع قوانین یا مقررات بوده یا منوط به نظر مقامات اداری باشد؛ ب) بیمه اجتماعی (مقررات قانونی درباره حوادث امراض ناشی از کار، زایمان، بیماری، ازکارافتادگی، پیری، مرگ، بیکاری، مسئولیت‌های خانوادگی و سایر پیش‌آمدهای احتمالی که براساس قوانین داخلی مشمول بیمه‌های اجتماعی است با رعایت محدودیت‌های زیر:

- ترتیبات مقتضی مربوط به حفظ حقوق مکتسبه و حقوقی که در شرف اکتساب است؛
- مقررات خاصی که در قوانین داخلی کشور محل سکونت درباره مزایا یا سهمی از مزایایی که به‌طورکلی از بودجه عمومی پرداخت می‌شود و همچنین درباره پرداخت فوق‌العاده به اشخاصی که از واجد شرایط لازم برای دریافت مقرری نیستند پیش‌بینی شده است.

چنانچه پناهنده بر اثر حادثه یا بیماری ناشی از کار فوت کند حقی که باید به این مناسبت پرداخت شود به علت اینکه اقامتگاه استفاده‌کننده از این حق در خارج از سرزمین دولت متعاقد است زایل نخواهد شد.

دول متعاقد، پناهندگان را از مزایای موافقت‌نامه‌هایی که بین آنها در مورد حفظ حقوق مکتسبه یا حقوق در شرف اکتساب در زمینه بیمه‌های اجتماعی منعقد شده است یا در آینده منعقد می‌شود بهره‌مند خواهند ساخت مشروط بر اینکه پناهندگان شرایطی داشته باشند که برای اتباع کشورهای امضاءکننده این موافقت‌نامه‌ها پیش‌بینی شده است. در مورد موافقت‌نامه‌های مشابهی که ممکن است بین دول متعاقد و دول دیگر لازم‌الاجراء باشد یا بعد به اجرا گذاشته شود دول متعاقد امکان برخورداری پناهندگان را از مزایای موافقت‌نامه‌های مزبور با حسن نیت، بررسی خواهند کرد. دولت‌ها موظف هستند در مورد حقوق، ساعات کار و انواع بیمه‌ها با پناهندگان مانند اتباع کشور خود رفتار کنند و تبعیضی بین آنها قائل نشوند.

۲-۶- ۱۰. ماده ۲۶ آزادی رفت‌وآمد: هر یک از دول متعاقد به پناهندگانی که براساس قانون در سرزمین آن به سر می‌برند حق خواهد داد که محل سکونت خود را انتخاب کنند و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت‌وآمد کنند. مشروط به رعایت مقرراتی که در این موارد درباره خارجی‌ان اجرا می‌شود. پناهندگان حق دارند آزادانه رفت‌وآمد کنند و محل سکونت خود را تعیین کنند به شرطی که خلاف قوانین و نظم کشور پذیرنده نباشد.

۲-۶- ۱۱. ماده ۲۷ اوراق هویت: دولت‌های متعاقد برای پناهندگانی که در سرزمین آنها به سر می‌برند و فاقد اسناد معتبر مسافرت هستند اوراق هویت صادر می‌کنند. دولت‌ها موظف هستند تا برای اتباع خود مدارک هویتی معتبر صادر کنند تا بتوانند آزادانه به جاهای دیگری سفر کنند مگر اینکه دلایلی وجود داشته باشد که مغایر با نظم عمومی و امنیت ملی باشد.

- دول متعاهد پناهنده‌ای را که به طور منظم در سرزمین آنان به سر می‌برند، اخراج نخواهند کرد مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی.

- اخراج چنین پناهنده‌ای فقط به موجب تصمیمی صورت خواهد گرفت که براساس موازین قانونی اتخاذ شده باشد. به پناهنده مزبور باید اجازه داده شود که برای رفع اتهام از خود مدارکی ارائه دهد، تقاضای استیناف کند و به مقامات صلاحیت‌دار یا شخص یا اشخاصی که مقامات صلاحیت‌دار تعیین کرده‌اند، مراجعه کند مگر آنکه این امر به دلایل امنیت ملی میسر نباشد.

- دول متعاهد به چنین پناهنده‌ای فرصت مناسب خواهند داد تا در این مدت بتواند از راه قانون، مجوز ورود به کشور دیگری را تحصیل کند. دول متعاهد می‌توانند در مدت مزبور اقدامات داخلی را که لازم تشخیص دهند به عمل آورند.

- دولت پذیرنده، شخص پناهنده را اخراج نخواهد کرد مگر به دلایل امنیت ملی و نظم عمومی. در این صورت به شخص مهلت می‌دهد تا بتواند از خود رفع اتهام کند و در غیر این صورت، شخص را اخراج می‌کند.

۶-۲-۱۳. ماده ۳۴ کسب تابعیت: دول متعاهد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان تسهیلاتی فراهم خواهند کرد و کوشش می‌کنند تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه و مخارج این امر بکاهند. دولت موظف است که در صورتی که فرد پناهنده شرایط لازم را داشته باشد به وی تابعیت دهد.

۷. نتیجه‌گیری

مطالب حاصل از پژوهش حاضر بیانگر این امر است که مسئله پناهندگی در فقه اسلامی و بین‌الملل مورد توجه بسیار قرار گرفته است به طوری که آیاتی از قرآن کریم به طور صریح در این باب سخن گفته و بیان شدن روایاتی در این زمینه و سیره انبیا و امامان علیهم‌السلام نیز حاکی از اهمیت آن است. با اینکه در عرصه بین‌المللی نیز اسناد و کنوانسیون‌هایی در این مورد آمده

است، اما متأسفانه فاقد ضمانت اجرایی قوی است. نظام سیاسی اسلامی در مورد تعریف پناهنده و پناهندگی و شرط پذیرش پناهندگی، نظری متفاوت از حقوق بین‌المللی دارد و چنین بیان می‌دارد که هر انسانی براساس شریعت، حق انتخاب و انتقال مکان برای اقامت در داخل و یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگر پناهنده شود و بر آن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود با این شرط که علت پناهندگی به دلیل ارتکاب جرم براساس نظر شرع نباشد. نظام بین‌المللی در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر این تعریف را مطرح می‌کند: «هرکس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جست‌وجو و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند. در مواردی که تعقیب ناشی از جرایم سیاسی نبوده و یا ناشی از اعمال خلاف مقررات ملل متحد باشد از حق پناهندگی نمی‌توان استفاده کرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اردلان، اسعد (۱۳۸۷). پناهندگی دیپلماتیک. نشریه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۹۵۱، ۴-۹۸۰.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۳. اعلامیه حقوق بشر اسلامی.
۴. بایرامی فرد، بهمن، محمدنسل، مصطفی، و مددی، محمد (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی پناهندگی در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل. نشریه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال هفتم، شماره ۳۱، ۳۲-۴۹.
۵. داوری، محسن (۱۳۸۹). مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی. نشریه حقوق اسلامی، سال ۸۹، شماره ۳۱، ۸۹-۱۱۳.
۶. زنگنه شهرکی، جعفر، و افشار، مجتبی (۱۳۹۹). پناهندگی در حقوق بین‌الملل و اسلام با تأکید بر پناهندگی در حرم مکی. نشریه حج و زیارت، سال پنجم، شماره دوم، ۹۵-۱۲۵.
۷. شریعت‌زاده، امید (۱۳۹۵). پناهندگی در حقوق بین‌الملل اسلام. حقوق بین‌الملل عمومی.
۸. شفاعی، عبدالله (۱۳۸۷). حقوق بین‌المللی پناهندگان در اسناد بین‌المللی. نشریه سراج، سال سوم، شماره ۱۱، ۹۱-۱۱۲.
۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. عباسی، بیژن (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.
۱۱. علی‌پور، ابوالقاسم، و معصومی، آیدا (۱۳۹۴). پناهندگی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین بین‌الملل. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی روان‌شناسی و علوم اجتماعی. مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.

۱۲. قدیر، محسن.، و کاظمی فروشانی، حسین (۱۳۹۷). بررسی پدیده پناهندگی از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل. نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال پنجم، شماره اول، ۱۲۱-۱۴۸.
۱۳. قرآئی، محسن (۱۳۷۴). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۴. کنوانسیون مربوط به امور پناهندگان ۲۸ جولای ۱۹۵۱ ژنو. بی‌تا: بی‌نا.
۱۵. معین، محمد (۱۳۵۱). فرهنگ معین. تهران: انتشارات کبیر.
۱۶. موسی‌زاده، ابراهیم.، و کهریزی، رزیتا (۱۳۹۴). حقوق پناهندگی در اسلام: منبعی برای توسعه حقوق بین‌الملل پناهندگی. نشریه اندیشه‌های حقوق عمومی، سال چهارم، شماره دوم، ۳۹-۵۶.